

شاخصه‌های روحیه جهادی

سید علی موسویان*

چکیده

معنای لغوی جهاد به‌نوعی با مفهوم سختی و مشقت همراه است. روحیه جهادی، روحیه‌ای است که دارنده آن، برای رسیدن به آرمان‌های بلند، حاضر به تحمل سختی و مشقت بوده و از عافیت‌طلبی بپرهیزد. این روحیه، منشأ بروز رفتارهایی است که می‌توان به استناد این رفتارها، از وجود یا عدم این روحیه در فرد و جامعه، باخبر شد. در این مقاله سعی شده است با تحلیل مفهوم روحیه جهادی، شاخصه‌های رفتاری آن را مشخص کرده و مستندات نقلی آن بیان شود. این شاخصه‌ها عبارت‌اند از: «امید؛ خودباوری و اعتمادبه‌نفس؛ عزم؛ علو همت؛ آزادی از جلوه‌های دنیا؛ ساده زیستی؛ خستگی‌ناپذیری؛ صبر و استقامت».

کلید واژه‌ها: جهاد، روحیه جهادی، عزم، خستگی‌ناپذیری، اعتمادبه‌نفس.

مقدمه

شکی نیست که تداوم حرکت توفنده انقلاب اسلامی همچون پیدایش آن که برخاسته از روحیه جهادی جوانان مسلمان بود. رسیدن به اهداف و آرمان‌های متعالی، مستلزم حفظ روحیه انقلابی و جهادی نزد ملت، دولتمردان و مسئولان است.

انقلابی بودن و روحیه جهادی داشتن، آثار و برکات زیادی دارد که مهم‌ترین این آثار در ابعاد فرهنگی و اجتماعی متجلی می‌شود. نگاهی به کاستی‌ها و نواقص نظام، نشان می‌دهد که هر جا از روحیه جهادی فاصله گرفته و به سوی اشرافی‌گری و عافیت‌طلبی سوق پیدا شد، مدیریت کشور گرفتار مشکلات عدیده‌ای شده است.

برای سنجش هر موضوعی، شاخصه‌هایی برای ارزیابی آن موضوع تعیین می‌گردد. روحیه جهادی نیز از این قاعده مستثنا نیست. بر این اساس، در این مقاله سعی شده است شاخصه‌های رفتاری روحیه جهادی مورد بررسی قرار گیرد.

تعریف مفاهیم

جهاد

جهاد به معنای سختی و مشقت به‌کاررفته است. راغب اصفهانی در مفردات می‌گوید: «الْجُهْدُ وَالْجُهْدُ: الطَّاقَةُ وَالْمَشَقَّةُ»؛^۱ جهاد و جهْد به معنای طاقت و مشقت است. از ماده «جهد»، کلمات دیگری هم مشتق شده است که در همه آن‌ها، سختی و مشقت وجود دارد مثلاً اجتهاد به معنای به کار گرفتن نفس و تحمل سختی است و جهاد، به معنای به کار گرفتن همه توان در مقابله با دشمن است.^۲

۱. مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۰۸.

۲. همان.



روحیه جهادی

با توجه به معنای لغوی جهاد که به نوعی، با مفهوم سختی و مشقت همراه است، مشخص می‌شود که روحیه جهادی نیز، روحیه‌ای است که حاضر به تحمل سختی و مشقت است و از عافیت‌طلبی فاصله دارد؛ بنابراین کسی که روحیه جهادی دارد، برای رسیدن به هدفی والا، حاضر است پا روی لذت‌های در اختیار خود گذاشته و مشکلات و سختی‌هایی را که برای رسیدن به آن هدف والا ممکن است پیش روی او قرار گیرد، به جان‌ودل می‌خرد و خود به استقبال مشکلات می‌رود و از آن‌ها فراری نیست.

۶۹

بر اساس معنایی که از روحیه جهادی بیان شد، روشن می‌شود که روحیه جهادی یک خصیصه نفسانی است که ربطی به جهان‌بینی شخص ندارد. ممکن است شخصی منکر خداوند و معاد باشد ولی در زندگی دنیوی خود، صاحب‌همتی بلند بوده و حاضر باشد برای رسیدن به ارزش‌های انسانی، سختی‌هایی را به جان بخرد. البته این سخن به این معنا نیست که بین جهان‌بینی یک شخص و روحیه جهادی او، هیچ ارتباطی وجود ندارد. جهان‌بینی یک شخص و نگاه او به عالم، قطعاً در جهت‌دهی به زندگی او و اولویت‌های او تأثیرگذار است و می‌تواند تقویت‌کننده روحیه جهادی او باشد اما باید توجه داشت که این روحیه، از مقوله کیف نفسانی است و از حکمت نظری جداست. بررسی نحوه تأثیر و تأثر جهان‌بینی در روحیه جهادی، نیازمند تحقیق مستقل است. این مقاله به دنبال تعیین شاخصه‌های رفتاری روحیه جهادی است تا بر اساس این شاخصه‌ها بتوان میزان تحقق این روحیه را در فرد و جامعه مشخص کرد.

شاخصه‌های روحیه جهادی

امید

کسی که امیدی به رسیدن به هدف عالی نداشته باشد، حرکتی نخواهد کرد. امید، لازمه هر حرکتی است. امید به رحمت الهی در فرهنگ اسلامی یکی از تعالیمی است که در بدترین شرایط، فرد مؤمن را از هدف عالی خود جدا نمی‌کند و حرکت او را به سمت هدف والای خود، متوقف نمی‌کند.

امید در زندگی انسان، دارای چنان اهمیتی است که خداوند کسانی را که از رحمت او ناامید گشته‌اند، کافر نامیده است: «وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ».^۱ از رحمت خدا ناامید نشوید چراکه کسی جز گروه کافران، از رحمت خدا ناامید نمی‌شود.

تمام آیاتی که گناهکاران را به توبه دعوت می‌کنند و خداوند را با وصف غفاریت می‌ستایند، به این جهت است که امید از دست‌رفته انسان گناهکار را به او بازگردانند: «إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا»^۲؛ توبه به سوی خدا تنها برای کسانی است که از سر جهالت، مرتکب کار زشتی شده باشند و سریع توبه کنند که خداوند توبه آنان را می‌پذیرد و خداوند دانای حکیم است.

«قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»^۳؛ بگو ای بندگانی که بر خود اسراف روا داشته‌اید، از رحمت خداوند ناامید نشوید که خداوند تمام گناهان را می‌بخشد که او آمرزنده مهربان است.

۱. یوسف: ۸۷.

۲. النساء: ۱۷.

۳. زمر: ۵۳.

روایات در موارد زیادی، انسان ناامید را به رحمت خدا امیدوار می‌کند. از امام باقر علیه‌السلام روایت شده است که فرمود: «التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ»؛^۱ توبه کننده از گناه، مانند کسی است که هیچ گناهی نکرده است.

روایات زیادی در باب گریه بر سیدالشهدا و زیارت ایشان وارد شده است که ثواب آن را آمرزش تمام گناهان معرفی کرده است از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که فرمود:

«مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ فِي كِرَامَةِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَفِي شَفَاعَةِ مُحَمَّدٍ ﷺ فَلْيَكُنْ لِلْحُسَيْنِ زَائِرًا يَتَأَلَّى مِنَ اللَّهِ الْفَضْلَ وَالْكَرَامَةَ [أَفْضَلَ الْكَرَامَةِ] وَحُسْنَ الثَّوَابِ وَلَا يَسْأَلُهُ عَنْ ذَنْبِ عَمَلِهِ فِي حَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَوْ كَانَتْ ذُنُوبُهُ عَدَدَ رَمْلِ عَالِجٍ وَجِبَالِ تِهَامَةَ وَزَبَدِ الْبَحْرِ إِنَّ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قُتِلَ مَظْلُومًا مُضْطَهَدًا نَفْسُهُ عَطْشَانًا هُوَ وَأَهْلُ بَيْتِهِ وَأَصْحَابُهُ».^۲ کسی که می‌خواهد روز قیامت در کرامت خداوند متعال باشد و شفاعت حضرت محمد - صلوات الله علیه و آله - شاملش گردد پس باید حسین - علیه السلام - را زیارت کند چه آنکه بالاترین کرامت حق تعالی به وی رسیده و ثواب و اجر نیک به او داده می‌شود و از گناهانی که در زندگانی دنیا مرتکب شده وی را مورد سؤال و بازخواست قرار نمی‌دهند اگرچه گناهانش به تعداد ریگ‌های بیابان و به بزرگی کوه‌های تهامه و به مقدار روی دریاها باشد، حسین بن علی سلام الله علیهما در حالی کشته شد که مظلوم بود و نفس و جسمش مقهور و مورد ستم قرار گرفته بود و خود و اهل بیت و اصحابش تشنه بودند.

روایات، ثواب مصافحه دو مؤمن را آمرزش گناهان آنان معرفی کرده است که در همین فضا باید مورد توجه قرار گیرد. امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید:

۱. کافی ج ۲ ص ۴۳۰.

۲. کامل الزیارات / النص / ۱۵۳ / الباب الثانی و الستون أن زیارة الحسین علیه السلام تحط الذنوب.



«إِنَّ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا التَّقِيَا فَتَصَافَحَا أَقْبَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِمَا بِوَجْهِهِ وَتَسَاقَطَتْ عَنْهُمَا الدُّنُوبُ كَمَا يَتَسَاقَطُ الْوَرَقُ مِنَ الشَّجَرِ»^۱. دو مؤمن وقتی به هم می‌رسند و باهم مصافحه می‌کنند، خداوند عزوجل به آنان رو می‌کند و گناهان آنان همچون برگ درخت، می‌ریزد.

روایات مربوط به شفاعت در قیامت نیز از این قبیل هستند و همه این‌ها دلالت بر اهمیت «رجاء» در فرهنگ دینی اسلام دارند تا انسان مسلمان، امید خود را به صرف ارتکاب یک گناه از دست ندهد و راه را بر خود بسته نبیند.

خودباوری و اعتماد به نفس

۷۲

خودباوری و اعتماد به نفس، دو معنای متضاد دارد که در فرهنگ دینی از یکی تعبیر به عجب می‌شود و رذیله‌ای اخلاقی و مانع بزرگ پیشرفت انسان است و معنای دیگرش، شکرگزاری عملی است که صفتی نیکوست. مراد از شکرگزاری عملی این است که شخص، به داشته‌های خود - که البته خداوند آن‌ها را به او عطا کرده است - نظر داشته باشد و بداند که او نیز مانند دیگران، توان و استعداد لازم برای حرکت را دارد.

کسی که روحیه جهادی دارد، در قدم اول، امید وصول به هدف والای خود دارد. کسی که خود را فاقد استعداد و توان حرکت ببیند، قطعاً امیدی به رسیدن به هدف نخواهد داشت پس روشن می‌شود که لازمه امید داشتن، دیدن توانایی‌ها و داشته‌های خود است.

آیات قرآن مؤمنین را به خودباوری تشویق نموده و می‌فرماید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۲ سست نشوید و غمگین نباشید که شما اگر مؤمن باشید، بالاترید.

۱. الکافی (ط - الإسلامية) / ج ۲ / ۱۸۰ / باب المصافحة.

۲. آل عمران: ۱۳۹.

عزم

«عزم» کلمه ای است که ناظر به حوزه رفتار و عمل است. انسان وقتی به چیزی شناخت یافت و در حوزه نظری و ذهنی به حقیقت چیزی واقف شد و صحت و درستی و نیز حقانیت آن را تأیید کرد و به قطع و یقین رسید، در آن حالت به موضوع و قضیه جزم پیدا می‌کند؛ بنابراین، جزم در اندیشه شکل می‌گیرد اما زمانی این جزم می‌تواند آثار و برکات بیرونی و خارجی داشته باشد که این شناخت قطعی و یقین جزمی، در مقام اراده و عمل همراه با عزم و همت باشد؛ یعنی شخص بخواهد دانسته‌های قطعی و جزمی خود را در خارج تحقق بخشد. پس همت کرده و عزم می‌نماید تا آن را به هر شکلی شده تحقق داده و تمامی مقتضیات را فراهم کرده و موانع را از پیش رو بردارد.

از دیگر نشانه‌های روحیه جهادی، «عزم بر عمل» است. کسی که عزم ندارد، قطعاً روحیه جهادی ندارد.

حرکت در مسیری که پر از مشکلات و سختی‌هاست، در صورتی انگیزه انسان را فرسوده نمی‌کند که دارای عزمی استوار و محکم باشد و اراده‌اش بر پذیرش مشکلات به قدری قوی باشد که با پیش آمدن هر مشکلی، پا پس نکشد و قدم به عقب نگذارد.

کسی که عزم و اراده‌اش ضعیف باشد، نمی‌تواند در مقابل تنبلی، تعصب، هواهای نفسانی و دیگر گرایش‌های منافی هدف والای خود، ایستادگی کند و به طرف آن‌ها متمایل می‌گردد. خداوند در قرآن در مورد این گرایش‌ها می‌فرماید:

«قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ»^۱؛ اگر گرایش به پدر و



فرزند و برادران و زنان و خویشاوندان و محبت اموال و کسب و کار و املاکتان شمارا در یاری رساندن به پیامبر - صلی الله علیه و آله - سست کند، منتظر باشید تا خداوند امر خود را بیاورد و [بدانید که] خداوند گروه فاسقان را هدایت نمی‌کند. از نشانه‌های عزم بر عمل، استقامت نشان دادن است. در اهمیت استقامت، امام علی علیه السلام می‌فرماید: «قَلِيلٌ تَدْوَمُ عَلَيْهِ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ مَمْلُولٍ»^۱. کار کوچکی که بر آن مداومت داشته باشی، بهتر از کار زیادی است که از آن ملول شوی.

عنصر «عزم» در مسیر خودسازی آن قدر حائز اهمیت است که به تعبیر حضرت امام خمینی (ره)، جوهره انسانیت است. ایشان می‌فرمایند: «عزم» جوهره انسانیت و میزان امتیاز انسان است و تفاوت درجات انسان به تفاوت درجات عزم او است... ای عزیز، بکوش تا صاحب «عزم» و دارای اراده شوی که خدای نخواسته اگر بی عزم از این دنیا هجرت کنی، انسان صوری بی مغزی هستی که در آن عالم به صورت انسان محشور نشوی.^۲

برای تقویت عزم و اراده در روایات اهل بیت - علیهم السلام - راه‌هایی ذکر شده است. حضرت علی - علیه السلام - می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ مَا أَكْرَهْتَ نَفْسَكَ عَلَيْهِ»^۳. بهترین کارها، کاری است که نفس تو بر آن کراهت داشته باشد. راه‌های تقویت عزم و اراده، موضوع بسیار مهم و درخور توجه و نیازمند پژوهش مستقل است.

علو همت

یکی دیگر از شاخصه‌های روحیه جهادی، بلندی همت است. همت به معنای دل‌مشغولی است. همت انسان به همان چیزی تعلق می‌گیرد که قلب او را

۱. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم / ۴۸۱ / متفرقات اجتماعی.

۲. چهل حدیث، ص ۸.

۳. نهج البلاغه (للصباحی صالح) / ۵۱۱ / حکمت ۲۴۹.

شاخصه‌های روحیه جهادی

به خود مشغول نموده است. بلندی همت، در روایات اهل بیت - علیهم‌السلام - بسیار مورد تأکید است. از امیرالمومنین علی - علیه السلام - نقل شده است که فرمود: «قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ»^۱. ارزش هر مرد به اندازه همت اوست.

از امام صادق - علیه السلام - نقل شده است که فرمود: «ثَلَاثٌ يَخْجُزْنَ الْمَرْءَ عَنْ طَلَبِ الْمَعَالِي؛ قَصْرُ الْهِمَّةِ وَقِلَّةُ الْحِيلَةِ وَصَعْفُ الرَّأْيِ»^۲. سه چیز انسان را از رسیدن به هدف‌های والا بازمی‌دارد: کوتاهی همت، بی‌تدبیری و بینش ضعیف.

آزادی از جلوه‌های دنیا

یکی از مهم‌ترین عواملی که باروحیه جهادی، منافات دارد و انسان را از حرکت در مسیر رسیدن به اهداف والا بازمی‌دارد، دل‌بستگی به امور سخیف و پست است. روحیه جهادی یعنی روحیه‌ای که صاحب آن، حاضر است لذت‌های در اختیار و پست خود را برای رسیدن به اهداف بلند و والا، زیر پا بگذارد. لازمه چنین روحیه‌ای این است که شخص، به آنچه در اختیار دارد، چنان دل‌بسته نباشد که رها کردن و کنار گذاشتن آن‌ها، امری صعب و ناممکن برای او گردد. در فرهنگ دینی، به این ویژگی، «زهد» گفته می‌شود. زهد یعنی انسان به دنیا دل‌بسته نباشد و زرق و برق دنیا برای او ارزشی نداشته باشد. زهد یعنی آزادی از تعلقات.

امام سجاد - علیه السلام - در پاسخ به کسی که درباره زهد از ایشان سؤال پرسید، فرمودند: «أَلَا وَإِنَّ الزُّهْدَ فِي آيَةٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - لِكَيْلَا تَأْسُوا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ»^۳. بدانید که زهد در یک آیه از قرآن بیان شده است؛ اینکه بر آنچه از دست می‌دهید تأسف نخورید و بر آنچه به دست می‌آورد خوشحال نشوید.

۱. نهج‌البلاغه حکمت ۴۵.

۲. تحف العقول / النص / ۳۱۸ / و من كلامه علیه‌السلام سماه بعض الشيعة.

۳. الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج ۲؛ ۱۲۸.



کسی می‌تواند زاهد باشد که نسبت به داشته‌هایش دل‌بستگی نداشته باشد و بر اساس آیه شریفه، رسیدن به امور دنیوی او را خوشحال نکرده و از دست دادن امور دنیوی او را ناراحت نکند؛ بنابراین زهد به معنی ترک دنیا نیست؛ چه بسا فقیری که زاهد نیست و بی‌نیازی که زاهد است. زهد این است که انسان از محرک‌های غریزی و عادت‌های شخصی که محدود به خود او هستند فراتر بیاید و از قید این تعلقات آزاد گردد. برای آزادی از جلوه‌های دنیا و رسیدن به زهد، می‌توان از شناخت‌های گوناگونی بهره‌مند شد. شناخت عظمت انسان، شناخت وسعت هستی، شناخت عظمت الله از این امور هستند.

یکی از نشانه‌های زهد، ایثار است. ایثار به معنای از خودگذشتگی و فداکاری است؛ یعنی مقدم داشتن دیگران و مطالبات و نیازهای آنان بر خواسته‌های خود. کسی که روحیه جهادی دارد، حاضر است مهم‌ترین داشته‌هایش را فدای سعادت جامعه نماید حتی اگر این داشته، زندگی و همه وجودش باشد.

ساده زیستی

کسی که روحیه جهادی دارد، نیازمند یک زندگی سبک است تا تحرک او را به سنگینی و سکون تبدیل نکند. از این رو لازم است زندگی ساده‌ای داشته باشد. روحیه جهادی با تجملات و اشرافی‌گری به صورت مستقیم در ستیز و معارضه و مبارزه است. جهادگر عاشقی که زندگی و حیات خویش را وقف خدمت به خلق کرده و شبانه‌روز خود را در کار و تلاش و کوشش مستمر می‌گذراند هیچ‌گاه به دنبال راحتی و آسایش خود نخواهد بود.

در روایات اهل بیت علیهم‌السلام به این ویژگی مهم اشاره شده است: «إِنَّ السَّاعَةَ تَحْدُوكُمْ مِنْ خَلْفِكُمْ تَحَقُّوْا تَلَحُّوْا»^۱ به درستی که قیامت شمارا از پشت سر فراخوانده

۱. نهج البلاغه (للصبحی صالح) / ۲۴۲ / ۱۶۷ و من خطبه له علیه‌السلام فی [أول] أوائل خلافة.

است. سبک‌بار باشید تا به هدف خود برسید. «الْمُؤْمِنُ حَسَنُ الْمَعُونَةِ خَفِيفُ الْمَثْوَةِ»^۱.
مؤمن یاری کردندش نیکو و هزینه‌اش کم است.

خستگی‌ناپذیری

روحیه جهادی با حرکت طبیعی در تعارض است و نسبت این دو، نسبتی معکوس می‌باشد؛ یعنی هر قدر که انسان بخواهد امور دنیا و آخرتش را از مجاری عادی و با حرکتی طبیعی انجام دهد به نتیجه نخواهد رسید. لازمه روحیه جهادی، حرکت بی وقفه در هر شرایط مکانی و زمانی و امکاناتی است و این امر یعنی دارا بودن «روحیه خستگی‌ناپذیری».

در آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام، از سستی و تنبلی نهی شده است. به عنوان نمونه به موارد زیر اشاره می‌شود: «وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا»^۲. در طلب و تعقیب قوم (دشمن) سستی نکنید [و بدانید] اگر شما در این راه متحمل رنجی می‌شوید، آنان نیز متحمل سختی‌هایی می‌شوند اما شما از جانب خدا به چیزی امیدوارید که آنان امید ندارند و خداوند دانای حکیم است.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»^۳ ای کسانی که ایمان آوردید، وقتی با دشمن روبرو شدید، ثابت قدم باشید و خدا را زیاد یاد کنید تا شاید رستگار شوید.

«وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»^۴ خداوند و پیامبرش را اطاعت کنید و از کشمکش پرهیزید چراکه ضعیف می‌شوید و قدرتان از بین می‌رود و شکیبایی کنید که خداوند صابران را

۱. الکافی (ط - الإسلامية) / ج ۲ / ۲۴۱ / باب المؤمن و علاماته و صفاته.

۲. نساء: ۱۰۴.

۳. انفال ۴۵.

۴. انفال ۴۶.



دوست دارد. «إِيَاكَ وَالْكَسَلَ وَالضَّجَرَ؛ فَإِنَّكَ إِنْ كَسَلْتَ لَمْ تَعْمَلْ، وَإِنْ ضَجَرْتَ لَمْ تُعْطِ الْحَقَّ».^۱ از تنبلی و بی حوصلگی بپرهیز که اگر تنبلی کنی، از عمل کردن بازمی‌مانی و اگر بی حوصله باشی حق را نمی‌دهی.

«إِنِّي لَا بُغْضَ الرَّجُلِ أَوْ بُغْضَ لِلرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ كَسَلَانًا [كَسَلَانَ] عَنْ أَمْرِ دُنْيَاةٍ وَمَنْ كَسَلَ عَنْ أَمْرِ دُنْيَاةٍ فَهُوَ عَنْ أَمْرِ آخِرَتِهِ أَكْسَلُ»^۲؛ من از اینکه کسی در امور دنیایی اش تنبل باشد بیزارم چراکه کسی که در امر دنیایش کسل باشد، نسبت به امور اخروی اش تنبل تر خواهد بود.

صبر

۷۸

حرکت در مسیر دارای مشکلات فراوان، نیازمند صبر و تحمل است. کسی که روحیه جهادی دارد، در مواجهه با مشکلات صبر می‌کند و از آن‌ها فرار نمی‌کند و شکایت نمی‌کند زیرا او خود این راه را انتخاب کرده و تمام مشکلات را به جان خریده است. در روایات است: «الصَّبْرُ مِنَ الْإِيْمَانِ بِمَنْزِلَةِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ».^۳ صبر برای ایمان، همچون سر برای بدن است.

استقامت

حرکت به سوی اهداف بلند و دور، نیازمند پیگیری و تداوم است. کسی که راهی را می‌پیماید، اگر در نیمه‌راه، از حرکت بایستد به مقصد نمی‌رسد. یکی از نشانه‌های کسی که روحیه جهادی دارد این است که برای رسیدن به هدف والای خود، استقامت به خرج داده و تا آخر خط حرکت می‌کند.

در آیات و روایات به این امر مهم اشاره شده است: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ».^۴

۱. الکافی (ط - الإسلامية) / ج ۵ / ۸۵ / باب کراهية الكسل.

۲. الکافی (ط - الإسلامية) / ج ۵ / ۸۵ / باب کراهية الكسل.

۳. الکافی (ط - الإسلامية) / ج ۲ / ۸۷ / باب الصبر.

۴. فصلت ۳۰.

شاخصه‌های روحیه جهادی

کسانی که گفتند پروردگار ما خداست و بر این عقیده استقامت ورزیدند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند و می‌گویند که نترسید و محزون نباشید و بشارت باد بر شما به بهشتی که وعده داده شده‌اید.

«فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»^۱ چنان‌که دستور داری استقامت کن و کسانی که همراه تو [به راه اسلام] بازگشته‌اند [استقامت ورزند] و سرکشی نکنید که خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست.

نتیجه‌گیری

با توجه به برخی از ویژگی‌های جهادی که به آن‌ها اشاره شد بایستی تصریح کرد که ثمره این ویژگی‌ها و محصول شاخصه‌های فوق، تربیت انسان‌هایی با «روحیه جهادی» است. افرادی که امید و عزم و علو همت و آزادی از جلوه‌های دنیا و خستگی‌ناپذیری و استمرار در حرکت، لقب «جهادگر» را به آنان داده و بی‌شک در هر مسئولیت و جایگاهی که قرار بگیرند روحیه جهادی را سرلوحه رفتار و کردار خود نموده و در حیطه مدیریتی و شغلی خود نیز به رعایت ویژگی‌های اشاره‌شده توجه می‌نمایند.

۸۰

اگر امروز رهبری عزیز، از سرگرم شدن برخی مسئولین به منش‌های اشرافی و رفاه‌طلبی گلایه می‌نمایند؛ به آن علت است که روحیه جهادی در مسئولین سطوح مختلف، نهادینه نگردیده و به آفات و آسیب‌های پست و جایگاه‌دنیوی نظیر اشرافی‌گری، عدم توجه به طبقات مستضعف و عامه مردم، اختلاف با دیگران برای حفظ منافع شخصی و... دچار و مبتلا گردیده‌اند یعنی به جای آنکه «روحیه جهادی و ایثار» بزرگ‌ترین دارایی آنان باشد، «روحیه دنیاطلبی» تمام سرمایه آنان است، «سرمایه‌ای» که در باطن خود «ته‌مایه‌ای» بیش نیست و تنها ممکن است چند روزی، میز و جایگاه مدیریتی را برای آن مسئول محفوظ نگاه دارد که البته خود از عذاب‌های پنهان خداوند برای مدیران دنیازده می‌باشد. اگر در قلوب تمامی مردمان به ویژه مدیران و مسئولان «روحیه جهادی» حاکم شود تحقق چشم‌انداز بیش از آنچه در این سند آمده است عینیت یافته و شاهد نمونه کوچکی از جامعه اصیل مهدوی خواهیم بود. حکومت عدل مهدوی، اوج تحقق «جامعه جهادی» است که در آن مدینه فاضله، همگان با برخوردارگی از تفکر و فرهنگ جهادی و رعایت ویژگی‌ها و شاخصه‌های آن؛ سربازان حاکم مطلق کره خاکی - وجود نازنین حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء - خواهند بود. نتیجه

شاخصه‌های روحیه جهادی

آنکه «روح جهادی» در جامعه تنها راه سعادت و رستگاری ایران اسلامی به عنوان مقدمه حکومت عدالت گستر موعود آسمانی می‌باشد و تمرینی برای آمادگی منتظران آفتاب عالم‌تاب.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، ۱ جلد، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ / ۱۳۶۳ ق.
۲. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، ۱ جلد، نجف: دار المرتضویة، ۱۳۵۶ ش.
۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ۱ جلد، قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ش.
۴. خمینی، سید روح‌الله، شرح چهل حدیث، ۱ جلد، چاپ چهارم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸ ه ش.
۵. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، یک جلد، بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ ه ق.
۶. شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، ۱ جلد، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۷. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، ۸ جلد، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق.